



جادو و جادو شناسی

بخش دوم

دکتر جمشید آزادگان

ویژه که هستند شیادانی که به تقویت این باورها می کوشند و جادوگران طی سالیان دراز، خود را چنان در باور مردم جای داده اند که گویی شریک و همکار خدایان، پیامبران و مصلحین اجتماعی، پزشکان، و صاحب اختیار امور پنهان و محرمانه مردم هستند. دست پنهان استعمار جهانی که استحمار و تحمیق بسیاری از ملل را راهگشای غارت و چپاول آن ملل می داند، در گسترش خوانِ یغمای جادوگری و خرافه پرستی و موهوم اندیشی عوام الناس، از کوشش باز نمی ایستد.

زمانی هم که به علل سیاسی و حکومتی، مردم جامعه‌ای احساس ناامنی اجتماعی، زندگی بی فردا و بی پناهی و نومییدی می کنند، شبه علم و فال گیری و رمالی و طالع بینی و دعانویسی، که از مشتقات جادوکاری هستند، رواج می یابند و علوم خفیه و احضار ارواح و تکلم با جنّ و پری بازار گرم و پردرآمدی برای شعبده بازان و فریب کاران و کسانی می شود که خوشبختی آنان در بدبختی معتقدان به ایشان بسته است. ساده لوحی و خوش باوری مردم عوام نیز مزید بر علت است. در اثبات نکات اخیر الذکر، دومورد که نگارنده شخصاً تجربه کرده است، بیان می گردد:

۱- زمانی که کودکی پنج یا شش ساله بودم، انگشتی طلای خواهر دوستم جلیل گم شد. متهم اصلی این دزدی، من بودم زیرا به خاطر همبازی بودن با جلیل، به خانه ایشان آمدوشد داشتم. از گفت و گوی اهل خانه متوجه شدم که برای یافتن دزد انگشتی، می خواهند نزد سکینه سلطان ملاّجی محل بروند که در یافتن اموال مسروقه و انواع امور طلسم و جادو

برابر قولی که در پایان مقاله پیشین داده بودیم، اینک به بیان تعاریف و تئوری هایی، غیر از تئوری روان کاوانه زیگموند فروید می پردازیم و می کوشیم جان کلام نتایج تحقیقات صاحب نظران بلند پایه را در جادو شناسی به دست دهیم. از برخی نمونه های محلی ایرانی و حتی شخصی نیز هر جا اقتضانماید، سخن به میان خواهیم آورد.

بشر به جادو کاری و افسون خوانی، از هزاره های بسیار دور و از اعصار زندگی در غار و بیشه و جنگل تا الی یومنا هذا اشتغال داشته و زندگی انسان چنان با این پدیده عجیب بوده که پس از ظهور ادیان ابتدایی، آسمانی و توحیدی، باز هم گرایش به جادو و جادوگری و ادعیه و اوراد و دعانویسی و طلسمات دفع منافق و جذب موافق همچنان باقی است؛ با این تفاوت که مانند همه پدیده های اجتماعی، به اقتضای زمان و مکان و محیط اجتماعی، افکار و اعمال جادویی نیز دگرگون گشته ولی با تمام پیشرفت های علمی، صنعتی، فلسفی و... از زندگی بشر محو نشده و همچنان در سرنوشت میلیون ها نفر از جمعیت جهانی مؤثر است. زیرا باورهای مردم به جادو و انجام کارهایی بر پایه آن باورها، هم سازنده و هم مخرب است و تا همه آحاد و افراد بشر، علمی، عینی، محسوس و ملموس و تجربی نیندیشند، جادو و جادواندیشی بیش و کم به قوت خود باقی خواهد ماند. و چون چنین چیزی در هیچ آینده ای پیش نخواهد آمد که همه مردم با علوم آزمایشگاهی و علمی اندیشی و فلسفی نگری آشنایی یابند، پس به تصور در نخواهد آمد که روزی جادو و جادو کاری و دعانویسی و رمالی نیز به پایان رسد. به



در بسیاری موارد اشخاص با
توسل به جادو و جادوکاری به
نتیجه دلخواه خود می‌رسند و آن
را ناشی از تأثیر سحر و جادو می
دانند. به چنین چیزی، تقارن زمانی
(coincidence) گفته می‌شود.

استاد بود. ملاباجی با گستردن بساطی و نهادن کاسه‌آبی و
انداختن معجون جادویی در کاسه‌آب، از مابهران تحت امر خود
را احضار کرده و نام و مشخصات سارق را از آنان می‌پرسد.
صبح روز موعود، چند نفر از خانواده جلیل به سوی خانه
ملاباجی روانه شدند. من نیز دوردور ایشان را تعقیب می‌کردم.
به منزل که رسیدند، وارد اتاقی شدند که پنجره‌ای رو به
بیرون داشت. من در زیر پنجره گفت و گوی آنان را می‌شنیدم.
ملاباجی ابتدا شروع به پرسش درباره موضوع کرد و از ایشان



پرسید که آیا به کسی مظنون هستند؟ ایشان نیز مرا نام بردند.
ملاباجی با پرسیدن اخلاق و روحیات و واکنش من نسبت به
موضوع سرقت، به این نتیجه رسید که من دزد نبوده‌ام و به
بی گناهی من فتوا داد. این که آیا دزد واقعی را توانست به
ایشان معرفی کند یا نه، اکنون به خاطر ندارم زیرا در آن زمان
کودکی بیش‌ترین دغدغه من، اثبات بی گناهی خود بود نه
یافتن دزد انگشتی.
۲- در همان زمان کودکی در اهواز همسایه‌ای داشتیم به نام
شکرخانم که به او دده شکر می‌گفتند. وی روزی از پدرم
دعای بلاگردان و دفع حسود و رفع چشم زخم خواست. پدر
نیز برای او تخم مرغی جوشانده و روی آن با جوهر کلماتی به
عربی نوشت، دوسر دده شکر چرخاند و درون لگن آب گرم
فرو برد و به من که هنوز نابالغ بودم، داد تا سر چهارراه بر زمین
بریزم و تماشا کنم که چه برسر تخم مرغ خواهد آمد. وقتی

برگشتم و لگن خالی را تحویل دادم، چگونگی ماجرا را به این
شرح توضیح دادم:
"اول یک گاری اسبی از روی آن گذشت و کمی از تخم مرغ له
شد." پدرم سری به تأسف تکان داد و گفت: بیچاره گاریچی و
اسبش! کلی از دردو بلا را به جان خریده‌اند.
"سپس یک درشکه دو اسبه از روی آن رد شد و بقیه تخم مرغ
هم له شد." پدرم باز سری به تأثر جنباند و گفت: وای که برسر
درشکه چی و اسب‌های درشکه چه خواهد آمد؟!
"بعد از آن، گربه‌ای آمد و تخم مرغ له شده را خورد و آب نیز به
دلیل گرمای هوا تبخیر شد." پدرم شادمانه خطاب به دده شکر
گفت: تمام درد و بلایت به جان گربه خورد و تو دیگر از شر
حسود و بدخواه راحت شدی. خوش به حالت!
دده شکر سجده‌ای کرد و دست هایش را روبه آسمان گرفته،
شکر به درگاه خدا کرد و چهره‌اش باز شد. اثرات القایی الفاظ

اساساً جادو برمبنای جذب موافق یا دفع منافر استوار است.



داشته باشد که هیچ ارتباطی به تأثیر جادو ندارد و فقط به دلیل همزمانی وقوع، آن را ناشی از جادوکاری می دانند. درمسلل دیگر جهان نیز اکثریت قریب به اتفاق محققان درامر جادو برآنند که جادو متشکل است از مناسکی که در طی آن، اوراد و ادعیه و افسون هایی خوانده می شود و متناسباً اعمالی انجام می گیرد که گویای خواسته آدمیانی است که بدان باور دارند. آنان با این کارها، خواسته های خود را برون فکنی می کنند تا به گمان خود آن حوزه یا حوزه هایی از هستی را که در نظر دارند تا در آن توفیقی یابند، به زیرسلطه خود درآورند؛ یعنی رابطه ای ذهنی را به جای رابطه ای عینی می نشانند. اساساً جادو برمبنای جذب موافق یا دفع منافر استوار است. از این دیدگاه که انسان های ابتدایی یا ابتدایی اندیش چه خواسته هایی دارند، جادو را بدین صورت می توان طبقه بندی کرد:

الف - جادوی مولد

- ۱- جادوی شکار و صید ماهی
- ۲- جادوی حاصلخیزی کشتزار
- ۳- جادوی کاشت، داشت، برداشت
- ۴- جادوی بارندگی (دعای باران)
- ۵- جادوی حفظ و حراست

جنبه اجتماعی آن:

این گونه جادو یا انفرادی است و ناظر به نفع فرد است، یا جادوگران حرفه ای برای متقاضیان انجام می دهند، یا همه اجتماع قبیله علی العموم به جای می آورند. این گونه جادو انگیزه ای برای عمل اجتماعی سازنده و سرو سامان دهنده فعالیت های اجتماعی قبیله است و لذا صحه اجتماعی و تأیید قبیله را پشت سر دارد.

ب - جادوی دفع شر

- ۱- جادوی به کارگیری اعمال تابویی برای حفظ و حراست پدیده ها و امور مقدس
- ۲- جادوی گردآوری اعانه برای ادای دیون
- ۳- جادوی دفع قضا و بلا

دعانویس یا جادوکاری، روز به روز حال دده شکر را بهتر می کرد و از رویدادهای خوبی که مرتب برایش پیش می آمد، سخن می گفت. زیرا به خاطر باور قلبی که به انفاس و الفاظ دعانویس داشت، توانسته بود بر مصائب و گرفتاری های خود غالب گردد. این موضوع در مورد بیمار و پزشک نیز صادق است؛ زیرا گفته اند ایمان به پزشک، نیمی از معالجه است. نگارنده قصد اشاعه خرافات ندارد، ولی برای مردمی که راه حل بسیاری از مشکلات خود را نمی دانند، این تلقینات یقیناً مؤثر واقع می گردد.

در بسیاری موارد اشخاص با توسل به جادو و جادوکاری به نتیجه دلخواه خود می رسند و آن را ناشی از تأثیر سحر و جادو می دانند. در حالی که وقوع چنین امری بر اثر تقارن زمانی (coincidence) است؛ یعنی این امر می تواند دلیل علمی



کاملاً متفاوتند. ما، درمقایسهٔ عمل جادویی در این دو قوم و قبیله شاهد آنیم که در میان قوم مائوری کاربرد معجون دارویی در کار نیست، و دیگر آن که جادوی مخرب و مولد از یک سنخ می باشند؛ و مزید براین، آن است که جادوی مخرب برای آن که قرین موفقیت باشد، بر روی اشیایی انجام می شود که با شخص مغضوب یا مورد نظر جادوگر تماس دارند و متعلقات شخصی وی می باشند. اما در عین حال که جادوی مؤلد قوم زانده خیلی شبیه جادوی مولد قوم مائوری است، جادوی مخرب قوم زانده مقوله ای مزید بر نوع جادوی قوم مائوری دارد؛ و آن، این است که در آن قوم جادویی را که

باورهای مردم به جادو و انجام کارهایی بر پایهٔ آن باورها، هم سازنده و هم مخرب است و تا همهٔ آحاد و افراد بشر، علمی، عینی، محسوس و ملموس و تجربی نیندیشند، جادو و جادواندیشی بیش و کم به قوت خود باقی خواهد ماند.

۴- جادوی شفای بیماران

۵- جادوی مسافرت بی قضا و بلا

جنبهٔ اجتماعی آن:

این گونه جادو یا دعای افسون کاری همچون بخش الف، صحه گذاری همگانی قبیله را در پی دارد و انگیزه ای است برای به کار افتادن مساعی اجتماعی و اعمال قدرت در کنترل مصالح جمعی قبیله.

ج - جادوی مخرب

۱- جادوی باد و طوفان

۲- جادوی تخریب اموال یا فاسد کردن مایحتاج

۳- جادوی بیماری زا

۴- جادوی مرگ آور

جنبهٔ اجتماعی آن:

این گونه جادوگری، کار جادوگر زن (witch) می باشد که دیرینه دیر صورت می گیرد و اگر عملاً صورت گیرد، با تردید افراد قبیله توأم است. گاهی هم وقوع چنان عمل جادویی، تخیلی و تصویری است که در طبیعت پدید می آید، ولی جادوگر آن را به خود و قدرت جادویی خود نسبت می دهد.

بررسی تحلیلی جادوی مخرب:

برای بررسی و تحلیل این گونه جادو، آن را در چند اجتماع قبیله ای و ابتدایی اندیش مقایسه می کنیم. جادوی مخرب در قوم مائوری (maori) - بومی ترین قوم زلاندنو- عبارت است از صدمه زدن به لباس، مو، ناخن یا حتی مدفوع کسی که قرار است صدمه ای براو وارد آید. این کار با خواندن اوراد پرافسون انجام می شود. در قوم زانده (zande) در افریقای مرکزی، عمل موسوم به مانگو (mangu) یا همان جادوگری زنانه، گویی نوعی بیرون آوردن شیئی خیالی از بدن برخی اشخاص می باشد. آنان گمان دارند که چنان شیئی را غیب دان یا پیشگوی قبیله می تواند شناسایی کند و گفته می شود که با شکافتن بدن مرده می توان آن را مکشوف داشت. قوم زانده برآنند که جادوی معمولی و جادوی زنانه دو چیز

Spells and Magic



اکثریت قریب به اتفاق محققان در امر جادو بر آنند که جادو متشکل است از مناسکی که در طی آن، اوراد و ادعیه و افسون‌هایی خوانده می‌شود و متناسباً اعمالی انجام می‌گیرد که گویای خواسته آدمیانی است که بدان باور دارند.

مرگ فوری دشمن را در پی می‌آورد. این مورد هرگز مشاهده نشده ولی مردم قبیله به آن باور دارند و هرچند ممکن است جادوگری متهم بدان عمل شده باشد، هرگز معترف به انجام آن نیست.

برخلاف کسی که از عهده عمل مانگو برمی‌آید، کسی که عامل به ماماک پیک است، فاقد ویژگی بدنی یا شخصی خاصی است. اما این عمل طبعاً و طبیعتاً انجام نمی‌شود و مرتکب، در آن عمل درمی‌ماند و نمی‌تواند از عهده برآید.

در جاهایی از ملانزی باور نیرومندتری به گونه‌ای جادوی مخرب وجود دارد که به لحاظ برخی ویژگی‌های اساسی، عمل به آن‌ها غیرممکن می‌نماید. در محلی به نام وله (vele) در جنوب شرقی گینه جدید وضع بر همین منوال است. در آن جاها باور بر آن است که جادوگر، قربانی خود را گنج می‌کند و اندام‌های حیاتی وی را می‌کشد. به گونه‌ای معجزه آسا زخم‌ها را می‌بندد یا می‌دوزد و کوتاه زمانی وی را به هوش

جادوگر مرد می‌کند و فنون خاصی را در آن به کار می‌برد، به موازات جادوی زنانه است که نه مستلزم اوراد و افسون‌هایی است و نه نیازی به متعلقات شخصی یا بدن شخص مورد نظر جادوگر دارد. این دوگانگی در جو جادوی مخرب، مشترک فیه جادوگری‌های افریقایی، استرالیایی و بخش‌هایی از ملانزی است، لیکن در جادوگری پولینزی وجود ندارد.

در میان مردم ساکن ناحیه ای موسوم به دلی ریور (daly river) در استرالیا، دو گونه جادوی مخرب در کار است: یکی جادویی است که تندباد و طوفان می‌آورد و به شخص دشمن صدمه می‌زند؛ و دیگری جادویی است که آتش به جان دشمن می‌افکند و موجب بیماری و حتی مرگ وی می‌شود. به چیزی هم به نام ماماک پیک (mamakpik) باور دارند؛ و آن، این است که به لطایف الحیلی چربی دوروبر کلیه دشمن را از بدنش می‌ربایند تا بیماری و مرگ وی را موجب شوند. همین خود، یادآور عمل مانگو است که در قبیله زانده معمول، و سقوط و



می آورد ولی شخص نام ضارب خود را نمی تواند برزبان آورد و بلادرنگ می میرد. در همه این انواع جادوهای مخرب، دسته ای یا گروهی از عناصر اصلی مشترک وجود دارد و آن، این است که تأکید در هر یک از این عناصر، از قوم و قبیله ای تا قوم و قبیله دیگر گرچه فرق می کند و تمایز نسبتاً روشنی را می توان در نوعی از آن ها شناسایی کرد، اما عمل به هر یک از آن عناصر، عملی است تخیلی. ولی به هر حال آیین های جادویی به جای آورده می شود که جادوکاری تخیلی را جادوی زنانه (witchcraft) و جادوکاری غیر تخیلی را جادوکاری مردانه (sorcery) می گویند و این دو واژه را به طور یکسان و به یک معنا به کار نمی برند. به علت گستردگی مطلب، بقیه را در شماره بعد پی خواهیم گرفت.

منابع و مآخذ:

- ۱- Max Marwick, Witchcraft & Sorcery, Penguin Education, Penguin books Ltd, ۱۹۷۵
- ۲- Theodor H. Golde, The new , Bough, Mentor book, U.S.A. ۱۹۶۴
- ۳- Emile Durkheim, The elementary forms of religious life, London ۱۹۶۵

۴- ژاک لانتیه، دهکده های جادو، ترجمه زنجانی، انتشارات بهجت ۱۳۷۳